

صادق فرامرزی: این روزها تهران در حالی به سالگرد تشکیل پنجمین شورای شهر خود نزدیک می شود که ابهام درباره آینده پایتخت و سرنوشت نامعلوم شهردارهای چندماهه آن بیش از هر چیز به چشم می آید. گویا تغییر نام خیابان‌ها و میادین در کنار توثب‌های جنجالی بعضی نمایندگان شورا تنها خبر قابل پیگیری این روزهای شهری شده است که تا چندی پیش کمتر روزی از آن بدون افتتاح یک پروژه جدید شهری به پایان می‌رسید. با تمام این اوصاف و برای بررسی عملکرد یک‌ساله شوری یکدست اصلاح‌طلب پنجم به گفت‌وگو با «بوالفضل قناعتی» عضو سابق شورای شهر تهران پرداختیم تا نظرات او را درباره آنچه بر تهران گذشته و آنچه تهران‌نشینان باید انتظارش را داشته باشند جویا شویم.

■ غالبا نقدهایی که در ماه‌های نخست عمر هر دولت، مجلس یا شورایی شهری به آن می‌شود اینگونه پاسخ داده می‌شود که هنوز زمان قضاوت و بررسی عملکردها نرسیده است. با توجه به اینکه اکنون در یک‌سالگی عمر شورای پنجم شهر تهران هستیم و می‌توان به مجموعه عملکرد آن نگاهی جامع داشت، شما عملکرد یک‌ساله مدیریت شهری و شورای جدید را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به مجموعه تغییراتی که در سطح جهان از طریق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اتفاق افتاده است، می‌توان نفس چنین سوالی را برای مخاطبان ابتدایی دانست، چرا که عملکردهای فعلی را باید مبتنی بر برنامه‌های تدوین شده مورد بررسی قرار داد و از این طریق به نتیجه‌گیری دست یافت؛ اینکه از عمر یک شورا چند روز، چند ماه یا چند سال گذشته باشد در فضای پیگیری برنامه‌ها چندان محلی از اعراب ندارد. ما در کشورمان یک چشم‌انداز ۲۰ ساله داریم که تمام نهادهای کشور براساس آن دست به سیاست‌گذاری زده‌اند تا در آن جهت حرکت کنند. در حوزه شهری نیز بر مبنای چنین نگاهی برنامه‌های پنج‌ساله‌ای تهیه کرده‌ایم که الان در اواخر عمر برنامه پنج‌ساله دوم قرار داریم. این برنامه در شورای قبلی که در آن هم اعضای اصولگرا و هم اعضای اصلاح‌طلب شرکت داشته‌اند تدوین شده و به تایید فرمانداری نیز رسیده است که برنامه سال‌های ۹۶ و ۹۷ شهر تهران بر مبنای آن تعریف شده است. دوستان ما در شورای شهر امروز باید پاسخگوی این سوال باشند که اگر به آن برنامه پایبند بوده‌اند در راستای رسیدن به آن چه کرده‌اند و اگر اساسا آن را قبول ندارند، بیایند اعلام کنند چه برنامه جایگزینی داشته‌اند و برنامه‌شان به تایید کجا رسیده و از منظر اجرایی و عملیاتی در چه مرحله‌ای است. اینکه اعضای شورای شهر بگویند باید ۶ ماه بگذرد تا تازه بفهمیم فضا و نحوه کار در شورا چگونه است محل ایراد نیست اما آنها باید بگویند در این ۶ ماه یکسال براساس برنامه‌های ۹۵ که در شورای قبل برای حداقل سال‌های ۹۵ تا ۹۷ تدوین شده است چه کرده‌اند؟ و سپس بگویند برای برنامه سوم که از سال ۹۸ آغاز می‌شود و تدوین آن با این شوراست چه برنامه خاصی دارند؟

■ **وضعیت برنامه سوم چگونه است و چقدر می‌توان به این امید داشت که حداقل شورای**

پنجم و شهرداری فعلی بر مبنای آن حرکت کند؟
متأسفانه وضعیت این برنامه نیز چندان مشخص نیست. الان در ششمین ماه سال هستیم و تا پایان سال باید برنامه پنج‌ساله سوم تدوین شود اما هنوز لایحه آن از سوی شهرداری به شورای شهر ارائه نشده است. تدوین این برنامه به خودی خود زمانبر است و وقتی وارد شورا شود نیز نیازمند چند ماه بررسی در کمیسیون‌ها است تا در نهایت تازه به بررسی اولویت‌های برنامه و برش خورده آن برای سال اول اجرا که سال ۹۸ باشد

برسیم، مضاف بر اینها این برنامه باید به تایید فرمانداری نیز برسد که خود این هم چند ماه زمان می‌برد و واقعا نمی‌دانیم چقدر می‌توان به اینکه برنامه صحیحی در این مدت زمان کوتاه تدوین شود امید داشت. متأسفانه شورای فعلی نه در اجرایی کردن برنامه سابق قدم چندان برداشت و نه برای برنامه بعدی کاری کرده است. در حداقل اردیبهشت تا شهریور سال گذشته که این شورا انتخاب شده بود اما هنوز کارش را آغاز نکرده بود دانما می‌شنیدیم اعضا حرف از این می‌زدند که با برنامه برای مدیریت تهران آمده‌اند اما حالا که به عملکرد و مدیریت شورا

نگاه می‌کنیم نه خیری از تمکین به برنامه‌های قبلی وجود دارد و نه نشانی از وجود یک برنامه جدید به چشم می‌خورد.
■ **در چارچوب برنامه دوم به طور مصدافی به چه نقطه‌ای باید می‌رسیدیم و چه بخش‌هایی از آن محقق شده و چه بخش‌هایی محقق نشده است؟**
درباره برنامه پنجم و به طور اختصاصی بخش عمران و حمل‌ونقل آن که در کمسیون ما تعریف شده بود، ما شهرداری را مکلف به ساخت ۱۵۰ کیلومتر خط مترو کرده بودیم که بر مبنای آن باید خط ۳ به پایان می‌رسید، خط ۷ سال گذشته افتتاح می‌شد، شهریور امسال خط ۶ به بهره‌برداری می‌رسید و هر ماه یک ایستگاه جدید به مترو تهران اضافه می‌شد. در دوره مدیریت ما همه چیز طبق برنامه مشخص شده پیش رفت و ما همه آنچه باید به بهره‌برداری می‌رساندیم را به بهره‌برداری رساندیم اما متأسفانه تیم جدید نه‌تنها طبق برنامه مدون شده پیش نرفت، بلکه در حالی که خط ۷ طبق موازین و توصیه‌های مهندس ناظرش می‌توانست فعالیت داشته باشد آن را با یک فضاسازی رسانه‌ای و نیت سیاسی تعطیل کردند و باقی خطوط را هم به یک توقف نسبی در پیشرفت رساندند. در بخش اتوبوسرانی متأسفانه دولت به تعهداتی که نسبت به شهرداری داشت عمل نکرد و ما به مشکل خوردیم. امروز در تهران نیازمند چیزی نزدیک به ۱۰ هزار اتوبوس هستیم ولی حدود ۵۵۰ اتوبوس داریم. طبق قانون ۸۲/۵ درصد بودجه نوسازی اتوبوس‌ها را باید دولت پرداخت کند و ۱۷/۵ درصد آن باید به عهده شهرداری باشد، در چنین شرایطی شهرداری زمانی که از کمک حیاتی دولت به این بخش ناامید شد با به میان آوردن بخش خصوصی در اتوبوسرانی تهران بخش

قابل توجهی از برنامه خود را پیش برد. عمر اتوبوس‌های ما متأسفانه به جای ۷سال به ۱۰سال رسیده است و این مساله‌ای خطرناک در آینده می‌تواند باشد که در صورت عدم کنترل آن ممکن است منجر به یک فاجعه انسانی نیز شود. در حوزه عمران نیز پل‌ها، تقاطع‌ها، تونل‌ها از قبیل تونل شهدای غزه، ادامه بزرگراه حکیم تا کرج و... طبق برنامه پیش رفت و تقاطع‌های شمال غرب تهران نیز در دوره ما طبق برنامه پیش رفت اما متأسفانه بعد از آمدن تیم جدید تقریبا تمام کارشان تعطیل شد. در حوزه فضای سبز ما به سرانه‌ای بالاتر از ۱۵متری که مدنظر داشتیم دست پیدا کردیم. می‌توانم با جدیت به شما اعلام کنم مجموعه وظایف شهرداری در حوزه کمیسیون عمران و حمل‌ونقل که ما در آن حضور داشتیم بالای ۹۰درصد طبق برنامه پنج‌ساله دوم و در شرایطی که دولت به بهانه فشار تحریم‌ها کمک خود را قطع کرده بود محقق شد. در باقی کمیسیون‌ها هم تقریبا چنین نسبتی وجود داشت و با نظارت خوبی که هم اعضای اصلاح‌طلب و هم اعضای اصولگرا روی عملکرد شهرداری تهران داشتیم، توانستیم مانع

فقط حقوق‌ها را می‌پردازند!

از سرنوشت برنامه ۵ ساله سوم هیچ اطلاعی وجود ندارد دولت به اندازه نیم کیلومتر خط مترو به شهرداری سابق کمک کرد!

از انحراف مسیر مدیریت شهری به سمتی غیر از آنچه در برنامه دوم پیش‌بینی شده شویم.
■ **با توجه به انتخاب ۲ شهردار در عمر یک‌ساله شورای پنجم که هنوز آینده شهردار دوم آن نیز با توجه به قانون عدم به کارگیری بازنشستگان چندان مشخص نیست، اگر بخواهیم به مقایسه عملکرد یکسال اول شورای چهارم و یکسال اول شورای پنجم بپردازیم، چه تفاوت‌هایی مشهود است؟**

ظهور و بروز عملکرد هر شورایی را باید در وضعیت شهر دید چون جدا از آن شورایی هر شهر وظیفه و کاربوزه دیگری ندارد. اگر بخواهیم به بررسی یک سال اول شورای قبلی بپردازیم نخستین نکته آن بود که ما کارمان را بر مبنای برنامه پنج‌ساله اول آغاز کردیم و شورا با احترام به برنامه‌ای که شورای قبل زحمت تدوین آن را کشیده بود به فعالیت پرداخت. از سوی دیگر چون هر ۲ جناح سیاسی تقریبا به یک میزان در آن شورا نماینده داشتند فضای مطالبه‌گری خوبی از شهرداری تهران فراهم آمد بود و هر ۲ گروه سعی داشتند با پرسش و مطالبه‌گری از شهرداری وقت مانع از انحراف مسیر مدیریت شهری شوند. شما اگر به شورای قبل نگاه کنید متوجه آن می‌شوید که یک نفر از نمایندگان اصلاح‌طلب آقای قالیباف را برای پرسش به شورا نکشاند اما ما که اصولگرا بودیم و خودمان او را انتخاب کرده بودیم بارها برای پاسخگویی نسبت به سوالات‌مان ایشان را به شورای شهر آوردیم. اوایل شورای قبل خاطر م هست بابت یک آتش‌سوزی در خیابان جمهوری یک خانم کارگری حین تلاش برای نجات خود از ساختمان افتاد و متأسفانه درگذشت، فردای آن حادثه تلخ، نمایندگان اصلاح‌طلب گفتند آقای قالیباف باید

امروز برکنار شود. می‌خواهم بگویم در چنین فضایی با این حد حساسیت مخالفان شهردار پیشین، عملکرد شهرداری زیر نظر بود. از سوی دیگر خود ما هم در مواردی مثل ساخت‌وساز پاساژ علاءالدین، آقای قالیباف را برای پاسخگویی به شورا کشاندیم و دستور دادیم جلوی این ساخت‌وساز غیرقانونی گرفته شود. مساله دیگر منجر به یک فاجعه انسانی بود که از هر ۲ جناح در شورا حضور داشتند، یعنی سابقه مدیریتی در سطوح بالا را داشتند اما شورای فعلی اینچنین نیست و در نهایت می‌توان ۲ تا ۳ عضو این شورا را متخصص و مسلط به امور مدیریتی و شهری دانست. مجموعا در پاسخ به سوال شما می‌توان یک نگاه کمیسهای به حجم تغییرات عمده در حوزه عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و... در یکسال اول شورای قبل با یکسال اول این شورا داشت. نکته مهمی که در این میان نباید فراموش شود اینکه شورای شهر و شهردار مکمل یکدیگر هستند و اگر آن حجم از تغییرات انجام شد به این علت است که شهردار وقت نیز شهرداری جهادی و کاری بود. تفاوت است میان یک شهردار که مبنای مدیریتی رویکرد جهادی است با شهرداری که مبنای مدیریش حاشیه و حاشیه‌سازی است، لذا اگر ما بهترین اعضا را هم برای یک شورا در کنار هم جمع کنیم اما شهردارمان، مساعد کاری و جهادی نباشد باز هم به نتیجه‌ای رسید نمی‌رسیم. اینک اگر حداقل سال ۹۲ تا ۹۳ را با حد فاصل سال ۹۶ تا ۹۷ مقایسه کنیم در یکی شاهد حجم انبوه پروژه‌های به بهره‌برداری رسیده



و افزایش امکانات شهری هستیم و در دیگری این مساله را مشاهده نمی‌کنیم و دلایلش آن است که شورای چهارم با یک شهردار جهادی کار می‌کرد و علاوه بر وظیفه نظارتی و سیاست‌گذاری خود، فردی را به عنوان شهردار انتخاب کرده بود که به جای رویکرد سیاسی یک رویکرد شهری نسبت به تهران داشت.

■ **مخالفان شهردار پیشین ممکن است در جواب ارجاعی که نسبت به حجم انبوه پروژه‌های افتتاح شده در دوره مدیریت سابق و رکود حاکم بر پروژه‌های شهری در دوره فعلی دادید این مساله را طرح کنند که از یک‌سو علت آن سرعت بالا در پیشرفت پروژه‌ها بالا بود بوجه جاری کشور بوده و از سویی نتیجه آن همه پروژه بدهی‌های فعلی شهرداری است که بعضا آن را تا ۵۰ هزار میلیارد تومان نیز اعلام می‌کنند؛ این پاسخخ و منطقی را تا چه حد قبول دارید؟**
نخستین پاسخی که باید در جواب به این استدلال مطرح کرد آن است که شورای ما کار خود را با روی کار آمدن دولت آقای روحانی شروع کرد. من نمی‌دانم دولت آقای روحانی به شهردار جدید تهران کمک می‌کند یا نه اما به شهردار تهران در دوره شورایی ما اساسا کمک نمی‌کرد که بخواهیم علت پیشرفت‌های شهر تهران را به وضعیت بودجه کشور نسبت دهیم. تهران یک ارزش افزوده ۴۲۰۰ میلیارد تومانی از دولت دریافت می‌کرد که آن هم آقای روحانی قالب یک لایحه به مجلس فرستاد و ۱۴۰۰میلیارد تومان آن را هم کسر کرد. به عبارت دیگر دولت نه‌تنها کمکی نکرد که حتی سهم خودش در پروژه‌های عمرانی را نیز پرداخت نمی‌کرد، برای مثال درباره مترو دولت موظف است ۵۰ درصد بودجه مورد نیاز مترو را فراهم کند، ما برای هر یک کیلومتر خط مترو به چیزی نزدیک به ۲۰۰ میلیارد تومان و برای افتتاح هر ایستگاه مترو نیز به رقمی حدود ۴۰۰ میلیارد تومان نیازمندیم اما دولت در ۴ سال دوره ما چیزی کمتر از ۱۰۰میلیارد تومان یعنی به اندازه نیم کیلومتر به شهرداری تهران کمک کرد پس اساسا فرضیه اینکه پروژه‌های افتتاح شده در آن دوره به علت حمایت دولت بوده است از اساس غلط است و حتی دولت از حمایت‌های خودش هم کاسته بود.

درباره بخش دوم هم باید به این نکته توجه داشته باشیم که ما در بررسی مدیریت شهری باید نگاهی جامع داشته باشیم، به گونه‌ای که اگر برخی ادعاها را به صورت مصداق صرف بخواهیم بررسی کنیم ممکن است صحت داشته باشد ولی اگر در قالب یک قیاس کلی به آن نگاه کنیم متوجه می‌شویم اتفاقا شهر سود کرده است. با در نظر داشتن این مقدمه اگر به مساله بدهی شهرداری تهران نگاه کنیم نکته اول این است که عدد ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی مستند نیست و این رقم تا جایی که من می‌دانم کمتر از ۳۰ هزار میلیارد تومان است، نکته دوم اینکه اگر شهرداری به بهانه آنکه می‌خواست بدهکار نشود این پروژه‌ها را افتتاح نمی‌کرد و ما امروز می‌خواستیم تازه سراغ آنها برویم با رقم‌های فعلی چقدر برای ما تمام می‌شد؟ ما تونل نیایش و پل صدر را با رقمی حدود ۴۰۰۰میلیارد تومان به بهره‌برداری رساندیم، مترو را با قرض کردن پول با رقمی حدود کیلومتری ۱۰۰ میلیارد تومان پیش بردیم، اگر ما این پروژه‌ها را امروز می‌خواستیم پیش ببریم چقدر برای‌مان تمام می‌شد؟ آن نگاه همه‌جانبه‌ای که

مدیریت جدید ناتوان از خلق در آمد مناسب بوده است. شهردار اسبق را به جلسه هیات دولت راه نمی‌دادند اما شهردارهای بعدی که در جلسات دولت شرکت می‌کنند فلسفه حضورشان باید

گرفتن حق شهر از دولت باشد و الا برای پز سیاسی که نمی‌توان در جلسات دولتی شرکت کرد و در نهایت بودجه‌ای مناسب دریافت نکرد. به نظر من هر چند بعید است بتوانند مثل مدیریت سابق شهری کار کنند اما می‌توان با کمک دولت تا حدی از وضعیت فعلی خارج شد

و سرعتی به پروژه‌های شهری بخشید.
■ **یکی از مسائلی مهم و حیاتی شهر تهران همیشه مساله مترو بوده است. آیا دلایلی که**

در توقف خط ۷متروی تهران از جمله مشکل امنیت و تهیه خطوط آن ذکر شد صحت داشت؟
با توجه به سرعت کند پیگیری پروژه متروی تهران در دوره جدید چقدر می‌توان به وعده‌های شهردار جدید دل بست؟

خط ۷ مترو طبق برنامه‌ای که تدوین شده بود به افتتاح رسید اما بعد از افتتاح آقای حافظی این مساله را مطرح کردند که این خط به علت نصب نبودن دستگاہ تهیه در بعضی ایستگاه‌ها و همچنین نبود سیستم سیگنالینگ که باعث هماهنگی قطارها برای عدم تصادف با هم می‌شود، هنوز استاندارد لازم را برای استفاده عمومی ندارد، پس از این صحبت‌ها بود که یک هیات برای بررسی این مساله شکل گرفت و در نهایت دستگاہ ناظر گفت اگر با وضعیت فعلی سیگنالینگ که باید به صورت دستی صورت بگیرد خواهیم از این خط استفاده کنیم با حرکت هر ۴۵دقیقه یک قطار مشکلی به وجود نمی‌آید اما متأسفانه به جای این کار آمدن و با نیتی سیاسی خود خط را تعطیل کردند. الان باید پاسخگو بود که آیا استفاده از خط ۷ از طریق حرکت هر ۴۵دقیقه یک بار قطارها تا زمان رسیدن به وضعیت مطلوب‌تر برای ما زیان‌آور بود یا اینکه این سرمایه عظیم را با نیتی سیاسی تعطیل کردیم؟ ما که از آن خط دفاع می‌کنیم اما اگر مدیران جدید شهری با آن مخالف هستند چرا بتازگی ۴کیلومتر از آن را افتتاح کرده‌اند؟ مگر الان در آن سیگنالینگ وجود دارد؟ اگر استفاده بدون سیگنالینگ ایراد دارد چرا افتتاح کردید؟ اگر ایراد ندارد چرا فقط ۴کیلومتر از آن ۲۰کیلومتری را که سابقا و با تایید دستگاہ ناظر افتتاح شده بود افتتاح کردید؟ کدام‌شان ضرر می‌رساند؟ مساله اینها امنیت آن خط نبود، آن خط نزدیک به ۲ ماه هم بود که بدون مشکل و ایراد کار می‌کرد، هدف از تعطیلی آن خط این بود که می‌خواستند این را در افکار عمومی جا بیازدند که جان شهروندان برای آقای قالیباف اهمیت نداشته است. درباره عملکرد تیم جدید هم فقط می‌توان به این مساله اشاره کرد که نه‌تنها خط جدیدی را راه نینداخته‌اند که صرفا ۴کیلومتر از ۲۰ کیلومتر افتتاح شده سابق را مجدد افتتاح کرده‌اند.

■ **با مجموع این اوصاف چقدر عملکرد شورای پنجم را سیاسی می‌دانید؟**

شورای پنجم نگاهی کاملا مبتنی بر مسائل و مصالح جناحی نسبت به شهر و مدیریت شهری داشته و دارد. اینکه آقای محسن هاشمی در پایان سال اول شورا خودش اعتراف می‌کند شورای جدید کار چندانئ نکرده اعتراف به این است که سیاسی کاری و عدم وجود نگاه

شایسته‌سالارانه مانع از

ما حق نداریم یک چیز را ۲بار به مردم بفروشیم، بزرگراه‌ها، پل‌ها و... همه با عوارضی که ما از مردم دریافت کرده‌ایم ساخته شده است، واگذاری اینها به بخش خصوصی و گرفتن عوارض دوباره از مردم یعنی این مساله در باقی موارد هم موجود است و شهرداری برای درآمذزایی باید از طرق دیگر و با توجه به مدیران سابق شهری اقدام کند. ممکن است بگویند که ما منظورمان از درآمذزایی شهرفروشی است اما حقیقت آنست که طبق قانونی که ما وضع کرده‌ایم می‌توان به بخشی از املاک طبق حق قانونی‌شان اجازه ساخت و ساز داد

خیلی مهم است. شورای شهر باید نهایت فشار خود را به شهرداری بیاورد تا این برنامه را تقدیم به بخش خصوصی و گرفتن عوارض دوباره از مردم یعنی گرفتن دوباره پول مردم از خودشان. این مساله در باقی موارد هم موجود است و شهرداری برای درآمذزایی باید از طرق دیگر و با توجه به مدیران سابق شهری اقدام کند. ممکن است بگویند ما منظورمان از درآمذزایی شهرفروشی است اما حقیقت آن است که طبق طرح تفصیلی می‌توان به بخشی از املاک طبق حق قانونی‌شان اجازه ساخت‌وساز داد. پیش کشیده شدن طرح‌هایی از این دست یعنی آنکه